

بصیرت

بصیرت در حقیقت، حاصل بررسی موشکافانه همه ابعاد دور و نزدیک یک مسئله و فراهم آوردن یک معرفت ویژه نسبت به آن به منظور ارزیابی واقعی و ژرف آن مسئله است، به طوری که هیچ گونه تردید و تزلزل در آن راه نیابد.

بصیرت با این مفهوم عمیق، در دیدگاه امیرالمومنین (ع) جایگاهی رفیع دارد. از نظر حضرت، ارزش انسان، وابسته به معرفت و بصیرت او است و ایمان آنگاه برای مومن سودمند است که همراه نور بصیرت باشد. بصیرت در حقیقت، حاصل بررسی موشکافانه همه ابعاد دور و نزدیک یک مسئله و فراهم آوردن یک معرفت ویژه نسبت به آن به منظور ارزیابی واقعی و ژرف آن مسئله است، به طوری که هیچ گونه تردید و تزلزل در آن راه نیابد

تاکنون از خود پرسیده ایم چه عواملی باعث میشود برخی افراد دچار بی بصیرتی شده، نتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند؟ بهراستی برای گم نکردن راه چه باید کرد؟ چگونه میتوان راه را بازشناخت و فریفته ی سخنان و رفتارهای دشمنان نقابدار و منافقان فتنه گر و فتنه گران منافق نگردید؟! چگونه میتوان بین حق و باطل، جدایی افکند و راه را از کژراهه شناسایی نموده، مسیر را اشتباهی نپیمود

راهکار همان است که رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده اند که: «شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب نما همان بصیرت است.» ۱

ولی آیا بصیرت برای اشخاص خاصی لازم است یا مسئله ای عمومی است؟ آیا بر همگان لازم است که بینش والایی داشته باشند؟ رهبر معظم انقلاب میفرماید: «اگر همه ی تعاریفی که در خصوص بصیرت آورده شده را در یک جمله خلاصه کنیم میتوان گفت: بصیرت یعنی وجود چشمان تیزبینی در انسان که بتواند پشت صحنه ی مسائل پیچیده ی سیاسی را بهخوبی تشخیص دهد. این مهم در طول دوران تاریخ معاصر ایران و حوادث بعد از انقلاب، خط کش جدا شدن افراد هوشیار از غافل بوده است.»

اهمیت و جایگاه بصیرت، روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاها است، به گونه ای است که قرآن کریم یکی از ویژگی های فرستادگان الهی را داشتن بینش صحیح از رفتارها و کردارها دانسته و جامعه ی اسلامی و پیروان دین را نیازمند این ویژگی معرفی کرده: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه ی مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم» کسی که بصیرت لازم را به همراه یک سری دیگر از شرایط - که اشاره خواهیم کرد - داشته باشد، در روزهای فتنه و فضاهای غبارآلود، مسیر را اشتباه نخواهد پیمود و از توانمندی و جسارت برخوردار با دیگران و اظهار حق و حقیقت برخوردار میشود.

این جاست که هر جامعه ای با داشتن رهبری بصیر و نیروهایی این چنین، بهراحتی میتواند نقشه های دشمنان و فتنه گران را نقش برآب نموده، جامعه را از وجود آنان پاکسازی نماید. حضرت علی(ع) در این مورد میفرماید: «من با نیروهای گرویده به حق، فراریان را سرکوب میکنم و با سربازان آماده به فرمان، دودلان و سوسه گر را درهم میکوبم»

در اهمیت و جایگاه بصیرت همین بس که در آموزه های دینی ما، انسان بی بصیرت همانند فردی کور دانسته شده است.

واکاوی برخی علل نبود بصیرت

۱- دنیاخواهی: یکی از عوامل اصلی کمبود بینش، حب دنیا و تعلق بیش از اندازه به امور دنیوی است. این امر باعث میشود برخی افراد دانسته یا نادانسته، برای حفظ مقام و مسئولیت دنیایی، ثروت و دارایی و... دنیا را بر آخرت مقدم دارند؛ و این آفت باعث کور و کر شدن حقیقی و باطنی آنان نسبت به حقایق میشود. رسول خدا(ص) فرمود: «هر که به دنیا گراید و آرزوهای دنیوییش دور و دراز گردد، خداوند به اندازه ی گرایش او به دنیا، دلش را کور میگرداند»

۲- کم فردی: اگر افراد، دارای مبانی و افکار مشخص- که برگرفته از مطالعه و تفکر و تعمق در مسائل است- نباشند، درک و بینش درستی از حوادث و اتفاقات پیرامونی نخواهند داشت و پیوسته با ارائه ی نظرات نادرست و تحلیل های اشتباه، افکار

منفی و اقدامات خراب کارانه را به افراد جامعه منتقل میکنند. همچنین با ادعای فهم و درک فوق العاده ای - که گویا کس دیگری بدان دست نیافته و نخواهد یافت - ایجاد موج منفی در جامعه ایجاد میکنند. حضرت امیر(ع) با اشاره به همین نکته میفرماید: «کسی که اهل فکر و اندیشه نیست، بصیرت و بینش هم نخواهد داشت». آن حضرت با اشاره به پیامدهای وجود چنین افراد - فاقد فکر و تحلیل و بینش صحیح - ی در صفوف جامعه میفرماید: «آن که بصیرت و بینش را از دست بدهد، نظرش هم، نادرست و بیارزش است.»

۳- هوا و هوس: هر انسانی در حالت تعادل و نبود میدان های آزمایش، با مشکل خاصی مواجه نمیشود. مشکل جایی نمایان میگردد که هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی این تعادل را از انسان بگیرد و با تابلو قرار دادن منافع و خواسته های نفسانی، فردی، جناحی و.. در پیش چشم انسان، قدرت انتخاب را متزلزل نموده، او را در دو راهی حق و باطل قرار دهد. در چنین میدانی، کسانی که بر نفس خود مدیریت نداشته باشند، بهراحتی در دام خواهش های نفسانی افتاده، بصیرت و بینش لازم را برای خروج از این فضاها نخواهند یافت. حضرت علی(ع) میفرماید: «هوا و هوس، شریک کوردلی است.» 7

۴- غفلت و لجاجت: دو عامل آفت زای پرخطر در مسیر زندگی است که همواره انسان را با تهدید مواجه ساخته، چه بسا باعث میشود ثمره ی یک عمر زحمت و تلاش و خدمت انسان، پوچ و نابود گردد. نمونه های تاریخی فراوانی همانند «بلعم بن بعورا» و... هستند که با غفلت زدگی و خیره سری، زحمات و تلاش هایشان را نیست و نابود کردند. قرآن و روایات نیز به انسان هشدار میدهد که همه باید مراقب باشند تا اعمال نیکشان را با اعمال ناروا خبط و نابود نکنند. امیر بیان، علی(ع) میفرماید: «ادامه یافتن غفلت، دیدهی بصیرت را کور میسازد.»

رهبر معظم انقلاب در این باره می فرماید: «بعضی اشخاص، لجبازند و هر چه انسان حقیقت را در مقابل شان قرار می دهد، روی موضع لجوجانهی خود اصرار می کنند. چنین رویه ای، انسان را از حقیقت دور می کند. فرد لجوج، در ابتدای لجبازی، هنوز اندکی نور حقیقت را می فهمد و احساس می کند که کارش براساس لجبازی است اما وقتی لجاجت وی تکرار شد، دیگر آن اندک نور حقیقت را هم نمی فهمد. در او، باطن و اعتقاد و عقیده ای دروغین به وجود می آید که اگر به خود برگردد و تعمق کند، می بیند این که در ذهن اوست، عقیده نیست، «عَنْ ظَهْرِ الْقَلْبِ» و از باطن جان، نیست.

اما لجاجت نمی گذارد که او سرورش حقیقت و پیام معنویت و حق را به گوش جان بشنود. دیدید کسانی که در مقابل اسلام و انقلاب اسلامی و فرمایشات امام و حقانیت واضح و مظلومانهی ملت ایران ایستادند و لجاجت کردند، چگونه این لجاجت به گمراهی شان انجامید! ... عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید، بر اثر یکی از این دو است؛ یا عدم بصیرت، یا عدم صبر. یا دچار غفلت می شوند، واقعیت ها را تشخیص نمی دهند، حقایقها را نمی فهمند، یا با وجود فهمیدن واقعیات، از ایستادگی خسته می شوند. لذاست که به خاطر یکی از این دو - یا هر دو - تاریخ بشر پُر از محنت های بزرگ ملت هاست؛ پُر از غلبه ی زورگویان عالم بر ملت های ضعیف النفس و غافل است.»

۵- آرزوهای بی پایان: آرزوهای دور و دراز، از مهمترین رذایل اخلاقی است که در کتاب های بزرگان و آیات و روایات فراوانی از آن یاد شده است. پیامبر اکرم(ص) در روایت مشهوری «طول امل» را یکی از دو دشمن بسیار خطرناک برای انسان ها برشمرده و فرموده است: «شدیدترین چیزی که از آن بر شما میترسم دو خصلت است: یکی **پیروی از هوا و هوس** و دیگری **آرزوی طول و دراز.** هواپرستی، شما را از حق باز میدارد و آرزوی دور و دراز، شما را بر دنیا حریص میکند.»

بصیرت از نگاه رهبر معظم انقلاب اهمیت بصیرت

«این که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمیدارند. همه ی تیغ های دشمن در مقابل آنها کند می شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذازد.»